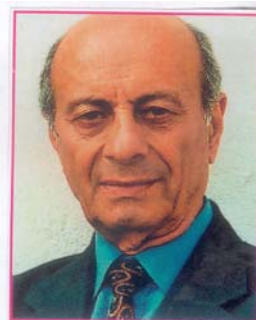


گزارش خبرنگار مجله پاری ماچ از شهر مذهبی قم درباره :



پاریس: ناصر امینی  
دیپلمات پیشین

# صیغه در ایران

آخوند ها دختران ۱۵ ساله را پیر دختر می دانند

## صیغه دولتی - صیغه تلفنی !

نمایش فیلم تکان دهنده S.O.S A TEHRAN ساخته خانم سوآبادی در پاریس که ماجرای زنان خیابانی را نشان می داد سبب گردید ایرانیانی که در میان صدها فرانسوی جزو تماشاچیان بودند با مشاهده صحنه های رقت بار این فاجعه اجتماعی بسیار ناراحت شده عرق شرم بر پیشانی آنها بنشیند.



فیلم دیگری با عنوان (زنان تن فروش) و چند فیلم مستند ایرانی که ناهنجاری های اجتماعی را نشان می داد موجب شد که مجله وزین و پر تیراژ پاری ماچ پاریس به LUC TRIBEL خبرنگار برجسته خود مأموریت دهد که به تهران و قم سفر کند و گزارش مشروحی از این کسب نان و آب دار تهیه نماید. قبل از این که خلاصه این گزارش از نظر خوانندگان بگذرد، توضیحاً به این نکته اشاره می شود.

ماه گذشته فیلم S.O.S A TEHRAN به معرض نمایش گذاشته شد. در پایان نمایش فیلم، تهیه کننده آن خانم سوآبادی مورد اعتراض چند ایرانی قرار گرفت که می گفتند: شما با تهیه این فیلم آبروی ما را جلوی فرانسویان می برید. خانم سوآبادی با عصبانیت جلسه را ترک کرد که با وساطت

جمعی مجدداً جلوی صحنه آمده و به چند سؤال فرانسوی ها پاسخ داد و اضافه کرد از تهیه چنین فیلمی خوشحال است و کپی فیلم در فروشگاه های بزرگ فرانسه فروخته می شود.

## چند صحنه از فیلم :

در فیلم زنان تن فروش ساخته هومن - یکی از زنان می گوید: شبکه هائی هستند که بیشتر برای مقامات دولتی کار می کنند این شبکه ها در مناطق مختلف به ویژه در روستاهای اطراف تبریز و اردبیل دختر بچه های ۱۴ تا ۱۵ ساله را برای مقامات دولتی جور می کنند.

این مقامات دولتی از پاسدارها گرفته تا رده های بالای حکومت را تشکیل می دهند. آخوندها دختران ۱۵ ساله را (پیردختر) می دانند. راه شرعی هم که موجود است. مسئله خواندن صیغه، قضیه فاحشگی را برای آخوندها حل می کند. در صحنه ای از فیلم می بینیم بسیاری از شوهران جلوی در خانه می ایستند تا همسایه ها متوجه نشوند که مشتری به داخل خانه می رود، بسیاری دیگر از مردها مشتری را به خانه می برند در اطاق دیگری خود را به خواب می زنند تا گذران زندگیشان شود.

بسیاری از مادران مشتری برای دختران خود به خانه می آورند. بسیاری از کودکان در پارک ها مشتری برای زنان تن فروش یا حتی برای خواهران خود پیدا می کنند. بسیاری از پدران، دخترانشان را به منزل آدم های پولدار می برند.

در تهران امروز این مسائل به اشکال گوناگونی وجود دارد ولی در پنهان، همه این موضوع را می دانند اما ترجیح می دهند به روی هم نیاورند.

زنی می گوید کمیته امداد به بچه های یتیم دو هزار تومان می دهد که فقط خرج یک هفته مدرسه است به این که بروم شش ساعت در صف بایستم نمی ارزد و این کاسه گدائی است به این ترتیب اگر امشب تنم را نفروشم فردا پول ندارم کرایه بدهم یا بچه ام را غذا بدهم.

## اسلام و تن فروش

اسلام قوانین بسیار سختگیرانه ای در مورد فحشا و روابط جنسی خارج از محدوده ازدواج دارد. از نظر اسلام هر نوع رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج «زنا» محسوب می شود و مستوجب مجازات مرگ (سنگسار) است.

باکره گی دختران قبل از ازدواج یکی از اساسی ترین رکن های معامله ازدواج به شمار می رود و اثبات شدن خلاف آن می تواند به مرگ دختر و ایجاد مشکلات جدی برای خانواده وی منجر شود ظاهراً برای این که مردان در چهارچوب خانواده مانده و برای کسب لذت به فاحشه خانه ها روی نیاورند به آنها اجازه عقد چهار زن رسمی داده شده است.

در مذهب شیعه که بخش نسبتاً وسیعی از مسلمانان را در بر می گیرد و قوانین آن بر ایران حاکم است مردان بی زن می توانند تعداد نامعینی از زنان را برای مدت از یک ساعت تا ۹۹ سال صیغه نمایند. گفته می شود این رسم در ابتدا توسط پیامبر و دیگر پیشوایان دینی اسلام با در نظر گرفتن شرایط مردان پایه ریزی شده که با شتر به سفرهای طولانی مدت می رفته اند و گاه ماه ها و حتی سال ها خانواده هایشان را نمی دیدند. سنت صیغه گرفتن را می توان به درستی با تن فروشی مقدس دختران در جوامع باستان مقایسه کرد با این تفاوت که دختران جوانی که در



ازدواج های موقت یک ساعته و یک ساله و نودونه ساله !

معابد ونوس، تن خود را در معرض فروش می گذاشتند مورد احترام نسبی در پیرامون خود بودند و می توانستند سر بلند به خانه شوهرانشان بروند در حالی دخترانی که صیغه می شوند به شدت مورد تحقیر قرار می گیرند و کسی حاضر نیست با آنان ازدواج دائم نماید.

بیشتر زنانی که یک بار صیغه می شوند ناچارند آن را ادامه دهند و در واقع به عنوان حرفه از این طریق زندگی نمایند.

## گزارش پاری ماچ

در یک محله مسکونی در شمال تهران احمد و سمیرا که آزادی معاشرت ندارند، علیرغم میل و اراده خانواده هایشان به صیغه هم در می آیند.

خانواده بسیار سنتی و متدین احمد این مهندس جوان شدیداً با ازدواج احمد و سمیرا مخالفند چون صلاحیت اخلاقی سمیرا را تأیید نمی کنند. آنها حق دارند چون سمیرا که در مؤسسه ای به منشی گری اشتغال دارد علاقمندی خود را به فرهنگ غربی پنهان نمی کند مثلاً حاضر نیست در خانه روسری به سرکند، در حالی که یک زن مسلمان واقعی زنی است که خود را از دید دیگران پنهان دارد و نخواهد حتی دیگر افراد فامیل به غیر از شوهرش او را بدون حجاب ببینند به خاطر این طرز فکر (باز) سمیرا و اینکه از شوهر اولش مطلقه است خانواده احمد با ازدواج او مخالفند. آنچه بیشتر باعث شگفتی است این است که یک زن مطلقه در جامعه ایرانی مانند یک بیمار مسری است و مسئولیت ناکامی در زندگی اولش را برعهده او میگذارند و به طور کلی یک زن مطلقه که بکارت خود را از دست داده ارزش ازدواج مجدد را ندارد. بر سر دو راهی انتخاب زن مورد علاقه اش و یا قطع روابط خود با خانواده، احمد راه دیگری یافته، پنهانی در مقابل یک روحانی با سمیرا ازدواج موقت (صیغه) می کند آن هم یک ساله. به وسیله این قراردادهاست که جوانان ایرانی می توانند در تهران و شهرستانها دست در دست دختران مورد علاقه خود به گشت و گذار بپردازند. در رهگذر عشاق کوه ها و سواحل دریای خزر خوش باشند و بدون ترس و وحشت از گرفتاری و دستگیری پلیسی از عشق یکدیگر سیراب شوند.

افراد ازدواج نکرده در حقیقت مجرمانی بیش نیستند که در صورت گرفتاری به یکصد ضربه شلاق طبق قوانین شریعت محکوم می شوند و صیغه ( ازدواج موقت ) راه حل گریز از مجازات شلاق است.

در بیست کیلومتری جنوب تهران امین درد که خود در بازار پارچه می فروشد. او چهره ای و هیکلی ورزشکارانه دارد و به تازگی با رویا آشنا شده و به یکدیگر علاقمند شده اند رویا که شدیداً مذهبی است با وجودی که امین را دوست دارد مایل است به جای همبستر شدن عادی و بدون قرارداد امین را به پذیرفتن (صیغه) وادار کند. او مایل است و می خواهد در چهارچوب قوانین مذهبی کارها صورت گیرد به این ترتیب است که امین این پسر بازاری چندی قبل به

اتفاق رؤیا دوست دختر خود به آخوندی مراجعه و آخوند با دریافت سی اورو صیغه ای یک ماهه جاری می نماید. بعد از یک ماه زندگی مشترک روابط دگرگون می شود و رویا از زندگی امین خارج می شود. اخیراً امین با زن دیگری آشنا شده و او را صیغه کرده است.

وخامت وضع اجتماعی در محلات جنوبی تهران موجب شده است که صیغه آزاده به نحو دیگری و بسیار غم انگیز شده، او 24 سال دارد که با یک مرد خشن و عصبی صیغه شده که هر روز او را کتک می زند بعد از مدتی عذاب و شکنجه و زجر موفق می شود از او طلاق بگیرد و دو بچه اش را پیش شوهرش بگذارد و جانش را خلاص کند از آنجا که او زنی زیبا بود به محله های شمالی و شیک تهران می رود خود را می آراید تا مورد توجه قرار گیرد.

او که از ازدواج خود تجربه خوبی نداشت حاضر به قبول ازدواج نمی شود ولی مرد دلباخته و عاشق عاقبت او را برای صیغه شدن آن هم با مهریه ای قابل توجه راضی می نماید. آزاده می گوید آخوند چند کلمه به عربی گفت و ما کاغذی را امضا کردیم که صیغه یکساله بود. صیغه بر خلاف ازدواج دائم و کلاسیک آسان است و فقط چند دقیقه طول کشید و بدون حضور شاهد بدون سر و صدا و ساز و دهل برگزار شد.

بعد از یکسال آزاده موافقت می نماید که به عقد دائم آرسیا درآید و بچه آنها که محصول عشق است به دنیا می آید و اسمش را مهران می گذارند. تولدش مبارک !

## به شهر قم خوش آمدید

قم زادگاه و کعبه شیعه های متعصب، جایی است که خمینی درس خواند و زندگی کرد و سالهای آخر عمرش را در آنجا به سر برد، در کوچه ها جمعیتی از مردم سیاه پوش لول میخورند زنانی که چادرهای سیاه به سر دارند و از سر تا پای آنها پوشیده شده است. زنانی که برای زیارت آمده اند زنانی که مذهبی هستند و دلربائی برایشان مشکل است. اینها مشتریهای دائمی برای (صیغه) شدن هستند.

در شهرهای مقدس قم و مشهد بیشترین تعداد ازدواج موقت صورت می گیرد. در میدان شهر قم یک ملای خوش تیپ فوق العاده پر طرفدار برای برگزاری صیغه آماده است و دسته

دسته مجردانی که برای زیارت آمده اند به او مراجعه می کنند و با دخترانی که در همان میدان یا حوالی آن یافته اند ازدواج موقت می نمایند و به دنبال آن کار می روند.

همیشه صدها نفر دور ملا جمع می شوند اینها نمازگزارانی هستند که از خواندن نماز فارغ شده و با راهنمایی و کمک آخوند مایلند از دنیای تنهائی به در آیند.

در جوار مزار حضرت معصومه خواهر امام رضا هزارها دختر و زن اجتماع کرده اند که با شنیدن چند کلمه ای که آخوند به زبان عربی می گوید برای چند ساعت و یا چند روز و دریافت مبلغی پول به عنوان مهریه با مردی ازدواج موقت می نمایند.

در اینجا بسیاری از بیوه زنان و دختران دم بخت مبلغی را که از بابت مهریه می گیرند خیلی کمتر از بهای فاحشه های تهران است. در میدان های قم و در قبرستان ها نوع دیگری از صیغه رایج است که همسر با کمال میل از دریافت مهریه خودداری می نماید و آن را « صیغه نذری » می گویند.

به این ترتیب در حال حاضر در کشوری که هزارها مسجد و گورستان دارد رابطه بین زن و مرد و همخوابی فقط به یک اشاره از طرف مرد یا زن بسته است. در شهر قم ازدواج های موقت یک ساعته هم دیده شده که بانو هنوز دو کلمه با شوهر خود صحبت نکرده می گوید مهرم حلال و جانم آزادا!

**خواندن صیغه،  
قضیه فاحشگی  
را برای آخوندها  
حل می کند.**

## **صیغه دولتی، بنام خدا!**

برای اینکه این گزارش پایان دلپذیری داشته باشد به اطلاع شما می رسانم جمهوری اسلامی پس از اعدام های اخیر خیابانی برای آرام کردن جوانان سایتی بر روی اینترنت تحت نام (ازدواج موقت و ایجاد تعادل در فرهنگ جنسی جامعه) ایجاد کرده که تا دیروز ۸۸۱۱۳ جوان، مشخصات خود را وارد کرده اند.

در این سایت، برای ورود باید وارد [www.movaghati.com](http://www.movaghati.com) شد سپس زیر تصویر گلی زیبا چنین می خوانیم « به نام خدا پس از اینکه فرم ثبت نام توسط شما پر شد و ارسال گردید اقداماتی برای رساندن شما به همسر موقت مطلوبتان انجام می گیرد ».

دوستی می گفت بر دیواری در تهران خوانده است :

بشتابید برای گرفتن دعا از سید خراسانی که همین جوانان (آسانی) را پاک کرده و لقب واقعی سید را باو داده اند!

### صیغه تلفنی بر گرفته از وبلاگ زیتون

زنی مجتهده در کانال ۲ تلویزیون جمهوری اسلامی داشت به سئوالات مذهبی جواب میداد و صدای دختری از تلویزیون آمد که از آن زن مجتهده می پرسید : مدتیّه با پسری غریبه تلفنی صحبت می کنم، گناه نمی کنم؟؟

خانم مجتهده کمی روی صندلی جابجا شد، چادرشو با انگشت روی صورتش آورد و گفت: برای صحبت با مرد غریبه بهتره اول تماس صیغه محرمیت به مدت طول مدت مکالمه باهم بخوانید تا با خیال راحت راجع به همه چیز (حتی محرمانه) حرف بزنید مثلاً یک ساعت، دو ساعت یا بیشتر، زن مجتهده اضافه کرد با اجازه پدر بهتره!

اینک به مکالمه تلفنی همین دختر با پدرش توجه کنید :

دختر - بابا جون سلام، آقاجون خواستم اجازه بگیرم برای نیم ساعت با پسر همسایه اینوری صیغه تلفنی بشم.

پدر - چی میگی دختر، همین امروز صبح صیغه پسر خاله محمد شدی، بعدش هم همسایه اونوری بود، حالا این وریه، روزی چند تا بی انصاف !!

دختر - مگه گناه کردم آقا جون سنت پیغمبره.

پدر - چی می گی بچه، زمان پیغمبر که تلفن نبود.

دختر - خب مجتهدین را برای چی گذاشتن برای تطبیق مذهب با زمان حال.

پدر - پس قبول.

دختر - دمت گرم بابای خوبم، بابای گلم.

\* \* \*

اینجاست که (عشق) با آن همه حرمت و شکوه و جلال لجن مال می شود.

شاه داماد مثل کر و لال ها با انگشت چراغ اطاقی را در مسافرخانه روبرو نشان می دهد  
که برای نیم ساعت کرایه کرده است.

سه پله یکی، از پله ها بالا می روند، روی تشکی که وسط اطاق پهن است چون دو حیوان  
هم آغوش می شوند، شاه داماد می داند تا تنور داغ است باید نان را چسباند و تنور سرد سزاوار  
بستن نان نیست ...